

تحلیل روایت شناختی دو داستان "گنج در خانه" اثر مولوی و "کیمیاگر" از پائولو کوئیلو

دکتر شهلا خلیل الهی - دانشگاه شاهد
دکتر بتول مهدوی - دانشگاه مازندران

چکیده:

مثنوی معنوی جلال الدین محمد بلخی، مملو از داستان‌ها، حکایت‌ها و تشبیهاتی است که هر یک با اهداف عرفانی، فلسفی و اخلاقی خاصی خلق شده‌اند و امروزه این داستان‌ها مورد تقلید برخی از داستان‌نویسان معاصر ایرانی و غیر ایرانی قرار گرفته‌اند. داستان "گنج در خانه" در دفتر ششم مثنوی، از جمله داستان‌هایی است که مورد تقلید داستان‌نویس برزیلی "پائولو کوئیلو" قرار گرفته همچنین داستان نویس معروف ایرانی، جلال آل احمد، هم از آن تقلید کرده است. استاد بدیع الزمان فروزانفر در "احادیث و قصص مثنوی"، مانند این داستان را به "حجاب نامه" همدانی از مؤلفان قرن ششم نسبت می‌دهد. به گمان گرماس بیشتر داستان‌ها یا از وضعیتی منفی به وضعیتی مثبت حرکت می‌کنند، یا از وضعیتی مثبت به شکستن "پیمان" منجر می‌شوند. موضوع کیمیاگر با داستان "گنج در خانه" مولانا به ظاهر یکی است، یعنی از وضعیتی منفی رو به وضعیتی مثبت می‌رود، شخصیت اصلی هر دو داستان در پی یافتن گنج، خانه و شهر خود را ترک می‌کنند، رخدادهای این داستان در برخی موارد، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با داستان "گنج در خانه" مثنوی دارد، آنچه در مقایسه این دو داستان درخور توجه است، تفاوتی است که در هدف هر دو داستان نهفته است. هدف مقاله حاضر بررسی و تحلیل داستان "گنج در خانه" و "داستان" کیمیاگر بر اساس مؤلفه‌های روایت‌شناسی است. مسأله اصلی این مقاله نیز بررسی وجوه تشابه و تفاوت در هر دو داستان است که به روش تحلیل اسنادی انجام شده است.

کلیدواژه: گنج در خانه، کیمیاگر، روایت‌شناسی، مولانا، پائولو کوئیلو.

در آمد

روایت و اصطلاحات مربوط به آن از قبیل نقل، داستان و بسیاری از واژه‌های مرتبط با آن در دیگر زبان‌ها در بسیاری از حوزه‌های علوم از جمله زیبایی‌شناسی، تاریخ، روانشناسی، زیان‌شناسی و انسان‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند (گات، ۱۳۸۶: ۱۹۹). واژه‌ی روایت‌شناسی اولین بار از سوی تودروف در کتاب دستور زبان دکامرون مطرح شد، از نظر ریمون کنان، شیوه‌ای است که می‌توان تک تک روایت

